

پیش‌بینی گرایش به طلاق عاطفی براساس ویژگی‌هایی شخصیتی، باورهای فراشناختی و بلوغ عاطفی زوجین

لقمان ابراهیمی^۱، رقیه حیدری^۲

(صفحات ۳۶-۶۱)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۶/۹ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۳/۳۰

چکیده

هدف: پژوهش حاضر، با هدف تعیین رابطه بین ویژگی‌های شخصیتی، بلوغ عاطفی و باورهای فراشناختی با گرایش به طلاق عاطفی زوجین شهر زنجان انجام گرفت. روش: پژوهش از نوع همبستگی و جامعه آماری آن شامل دانشجویان متاهلی بودند که در سال تحصیلی ۹۵-۹۶ در دانشگاه زنجان مشغول به تحصیل بودند. نمونه این پژوهش ۱۵۰ دانشجوی متاهل بود که به شیوه‌ی نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. داده‌ها از طریق پرسشنامه‌های صفات شخصیتی مک‌کری و کاستا (۱۹۹۰)، بلوغ عاطفی سینگ و بهارگاوا (۱۹۷۴)، باورهای فراشناختی ولز (۲۰۰۰) و طلاق عاطفی گانمن (۲۰۰۸) گردآوری و با ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون چندمتغیری مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. یافته‌ها: یافته‌ها نشان داد بین ویژگی‌های شخصیتی وظیفه‌شناسی و مقبولیت با گرایش به طلاق عاطفی رابطه منفی معنادار و بین ویژگی شخصیتی روان‌آزرده‌خویی و گرایش به طلاق عاطفی رابطه مثبت معنادار وجود دارد ($P < 0/01$). همچنین، یافته‌ها نشان داد بین بلوغ عاطفی و گرایش به طلاق عاطفی رابطه مثبت معنادار و بین باورهای نگرانی مثبت با گرایش به طلاق عاطفی رابطه مثبت معنادار وجود دارد ($P < 0/01$). به طور کلی مقبولیت و وظیفه‌شناسی به طور منفی و معنادار و روان‌آزرده‌خویی و بلوغ عاطفی به طور مثبت و معناداری گرایش به طلاق عاطفی را پیش‌بینی می‌کنند. نتیجه‌گیری: با عنایت به نقش ویژگی‌های شخصیتی، بلوغ عاطفی و باورهای فراشناختی

۱. نویسنده مسئول)، دکتری مشاوره، استادیار گروه روان‌شناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه زنجان، زنجان، ایران.

L.ebrahimi@znu.ac.ir

۲. کارشناسی ارشد روان‌شناسی بالینی، گروه روان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد زنجان، زنجان، ایران.

Heydari.1361@yahoo.com

در طلاق عاطفی می‌توان راه‌های مقابله موثر با پدیده طلاق عاطفی را شناسایی و در مداخلات روان‌شناختی و مشاوره‌ای برای زوجین بکار گرفت.
واژه‌های کلیدی: ویژگی‌های شخصیتی، بلوغ عاطفی، باورهای فراشناختی، طلاق عاطفی

مقدمه

طلاق یکی از مهم‌ترین آسیب‌های خانوادگی و فاجعه‌بارترین رویدادهایی است که فروپاشی فردی، خانوادگی و اجتماعی را در پی دارد (موسایی، توسلی و مهرآرا^۱، ۲۰۱۱) و آثار این وضعیت پرتنش گاهی تا مدت‌ها بر جای می‌ماند (واعظی، ۱۳۹۷). بنابراین، لازم است فرایندهایی که می‌تواند خانواده را در برابر این نوع آسیب‌ها و چالش‌ها محافظت کند، شناسایی شود (میرزاخانی، خدادادی، سنگده و نبی‌پور^۲، ۲۰۱۹). در همین راستا، امروزه اتحادیه اروپا (جانداوا، دیکسترا و امری^۳، ۲۰۱۹) و نیز جوامع مختلف (کائو، ژو و فانگ و فاین^۴، ۲۰۱۷ و کائو، ژو و فانگ، ۲۰۱۹) اقدام به پژوهش‌های گسترده و فراهم‌سازی برنامه‌های آموزشی و پیشگیرانه در زمینه ارتقای سلامت خانواده و شناسایی عوامل تأثیرگذار بر خانواده از جمله طلاق عاطفی نموده‌اند (کیکولت-گلنزر^۵، ۲۰۱۸).

طلاق عاطفی که از عوامل اساسی تضعیف بنیان خانواده بوده و علت اصلی طلاق رسمی نیز محسوب می‌شود (صباغی، صالحی و مقدم‌زاده، ۱۳۹۶)، پدیده‌ای پنهان و ثبت نشده در زندگی بسیاری از همسران است که اگرچه زن و شوهر به‌طور رسمی از هم جدا نمی‌شوند، اما بدون هیچ احساسی و عاطفه‌ای نسبت به هم و فقط به صورت هم‌خانه به زندگی خود ادامه می‌دهند (باستانی، گلزاری و روشنی، ۱۳۸۹)، با یکدیگر ارتباط صمیمی‌ای ندارند و نمی‌توانند درباره احساسات و عواطف خود با یکدیگر حرف بزنند و ارتباط زناشویی مناسبی هم ندارند (زمانی، احدی و عسگری، ۱۳۹۳؛ زهراکار،

1. Musai, M., Tavasoli, G., & Mehrara, M.
2. Mirzakhani, F., Khodadadi Sangdeh, J., Nabipour A R.
3. Djundeva, M., Dykstra, P. A., Emery, T.
4. Cao, H., Zhou, N., Fang, X., Fine, M.
5. Kiecolt-Glaser, J. K.

اسماعیلی، محسن‌زاده و هزاروسی، ۱۳۹۸) و حتی ممکن است این وضعیت منجر به طلاق قانونی شود (حیدری، حیدری و داوودی^۱، ۲۰۱۷). چنین حالتی، متضمن فقدان اعتماد، احترام و محبت به یکدیگر است؛ همسران به جای حمایت از همدیگر در جهت آزار و ناکامی و تنزل عزت نفس یکدیگر عمل می‌نمایند، و هریک به دنبال یافتن دلیلی برای اثبات عیب و کوتاهی و طرد دیگری هستند (لاور و لاور^۲، ۲۰۰۷).

شخصیت یکی از عوامل مهمی است که می‌تواند در کیفیت زندگی زوجین و به تبع آن رضایت یا عدم رضایت زناشویی و طلاق عاطفی آنها نقش اساسی داشته باشد. شخصیت افراد یکی از عوامل فردی مهم و تعیین‌کننده است که در روابط بین فردی نقش مهمی ایفا می‌کند. شخصیت الگوی اختصاصی و متمایز هیجان و رفتار است که بر شیوه تعامل فرد با محیط فیزیکی و اجتماعی خود اثر دارد. برای توصیف شخصیت هر فرد معمولاً به ویژگی‌های شخصیتی او اشاره می‌شود (دهقانی و اسماعیلیان، ۱۳۹۵).

یک رویکرد معتبر برای اندازه‌گیری صفات شخصیتی، مدل پنج عامل بزرگ شخصیتی است. برونگرایی جویی، توافق و گشودگی، روان‌رنجورخویی، وظیفه‌شناسی ابعاد اصلی مدل پنج‌گانه شخصیت می‌باشند (ترول و ویگر^۳، ۲۰۱۳). در این طبقه بندی، افرادی که دارای ویژگی‌های عواطف مثبت یا برونگرایی هستند، افرادی سرزنده، پر جنب و جوش و اجتماعی می‌باشند. افراد بسیار عصبی (روان‌رنجور) یا افرادی که دارای احساسات منفی بالایی هستند، در روابط خود مضطرب و متزلزل می‌باشند. افراد با ویژگی‌های وظیفه‌شناسی بالا، افرادی مسوولیت‌پذیر، متمرکز و سازمان‌یافته هستند. افراد سازگار (توافق‌جو)، افرادی متفکر، مهربان و حامی هستند. گشودگی نسبت به تجربیات (خرد)، ویژگی افراد مبتکر و خلاق می‌باشد (سودرمنز، کوریجن، و اناسچ و ماتیش^۴،

1. Heidari, A., Heidari, H., & Davoudi, H.

2. Laur, R.H., Laur, J.C.

3. Trull, T.J., Widiger, T.A.

4. Sodermans, A.K., Corijn, M., Vanassche, S., Matthijs, K.

۲۰۱۶). برونگرایی به تمایل فرد برای مثبت بودن، جرأت‌طلبی، پرانرژی بودن و صمیمیت اطلاق می‌گردد. برونگرایی باعث می‌شود فرد از محیط پیرامون خود بازخورد مثبتی دریافت کند که بر نحوه ادراک او از خودش تأثیر می‌گذارد و اعتقاد فرد را در مورد در اختیار داشتن توانمندی‌هایش بارور می‌سازد (حسینی، نجفی و محمدی فر، ۱۳۹۸). انعطاف‌پذیری به تمایل فرد برای کنجکاوی، عشق به هنر، هنرمندی و خردورزی گفته می‌شود. همسازی به تمایل فرد برای بخشندگی، مهربانی، سخاوت، همدلی و همفکری، نوع‌دوستی و اعتمادورزی مربوط می‌شود. مسئولیت‌پذیری، اشاره به افرادی دارد که اغلب از انگیزه پیشرفت بالایی برخوردارند و در برابر کارها احساس مسئولیت بیشتری از خود نشان می‌دهند. مهمترین ویژگی این عامل عبارتند از قابلیت و شایستگی در برابر مشکلات، نظم و ترتیب در کارها، خویشتنداری، با اراده و وظیفه‌شناس بودن (گروسی، ۱۳۸۰). یانگ و همکاران نیز در بررسی ویژگی‌های شخصیتی، ارتباط روان‌رنجورخویی با چگونگی کیفیت رابطه زناشویی را گزارش کرده‌اند. هر قدر میزان روان‌رنجورخویی در هر یک از زوج‌ها بیشتر باشد رفتارهای تعاملی منفی بیشتری نسبت به همسر نشان می‌دهد (یانگ، جویت و چان^۱، ۲۰۱۵). مطالعه امیدوار، جوکار و پاکیزه (۱۳۹۴) نشان داد، بین زوج‌های متقاضی طلاق و زوج‌های عادی از نظر ویژگی‌های شخصیتی روان‌رنجورخویی، برونگرایی و گشودگی به تجربه تفاوت معنادار وجود دارد. نتایج مطالعه نصوحیان (۱۳۹۱) نیز نشان داد، روان‌رنجوری در بین زوجین در معرض طلاق بیشتر و توافق‌پذیری و وظیفه‌شناسی کمتر است. این افراد، تحریک‌پذیری بیشتری دارند و در تعاملات بین فردی، سریع‌تر واکنش‌های عصبی از خود نشان می‌دهند که این واکنش‌ها در روابط زوجین تأثیرات منفی بر جا می‌گذارد و احتمال سوق یافتن زوجین به سمت طلاق را افزایش می‌دهد.

نتایج مطالعات (برای نمونه؛ ون درهایدن و ون درمولن^۱، ۲۰۱۲؛ فیشر^۲ و ولز، ۲۰۰۸؛ صمدی فرد، نریمانی، میکائیلی و شیخ‌الاسلامی، ۱۳۹۵؛ عاشوری، خالقی و صفاریان، ۱۳۹۳؛ مصطفوی النوری و ابوالمعالی، ۱۳۹۴) حاکی از آن است که باورهای فراشناختی از جمله عوامل تأثیرگذار در زندگی زناشویی و روابط زوجین می‌باشد. فراشناخت به ساختارهای روان‌شناختی، دانش و فرآیندهایی که درگیر کنترل، اصلاح و تعبیر افکارند اطلاق می‌شود (نریمانی و موسی‌زاده^۳، ۲۰۱۰) و مجموعه اطلاعاتی است که فرد از نظام شناختی خود دارد. در واقع، فراشناخت آگاهی و نظارت بر یک افکار (ایسکالا^۴، ۲۰۱۱)؛ فکر کردن درباره فرایند تفکر (هلن، استیفن و رینهارد^۵، ۲۰۱۳) و تجارب ذهنی مرتبط با اعمال افراد (دسندر و همکاران^۶، ۲۰۱۶) است. باورهای فراشناختی به دو دسته عمده باورهای مثبت و باورهای منفی تقسیم می‌شوند. باورهای مثبت با راهبردهای کنترلی مربوط به رویدادهای درونی در ارتباط هستند. باوری مانند اینکه «نگرانی در مورد آینده بدان معنی است که می‌توانم از خطر اجتناب کنم» نمونه‌ای از باورهای فراشناخت مثبت است. در مقابل، باورهای منفی باورهایی در مورد اهمیت، قابلیت کنترل و همچنین خطرناک بودن رویدادهای درونی هستند. باوری مانند اینکه «من کنترلی بر افکارم ندارم» نمونه‌ای از باورهای فراشناخت منفی است (ولز^۷، ۲۰۰۹).

افرادی که باورهای فراشناختی ناسازگار دارند، ممکن است در بازبینی و اصلاح اعمال، رفتار و همچنین فرایندهای شناختی خود از قبیل شناخت‌ها و تفکرات خود با مشکل مواجه شوند و در نتیجه نمی‌توانند پیامدهای طرز تفکر خود و به تبع آن رفتارهای خود را به طور مناسب درک کنند و در نتیجه برای تجربه هیجان‌های

1. Vander Heiden, C., Muris, P. T. Vander Molen, H.
2. Fisher, P. L., Wells, A.
3. Narimani, M., Mousazadeh, TA.
4. Iiskala, T., Vauras, M., Lehtinen, E., Salonen, p.
5. Helen, N., Steffen M. Reinhard, P.
6. Desender, K. et al.
7. Wells, A.

خوشایند زودگذر به سمت رفتارهای نامطلوب کشیده می‌شوند و از پیامدهای طولانی مدت اینگونه اعمال غافل می‌شوند. همچنین، باورهای فراشناختی مختل می‌تواند باعث استفاده از راهبردهای مقابله‌ای غیرسودمند در مواقع فشار روانی شود که این راهبردها در نتیجه تعاملات شناختی (باورهای ناسازگارانه) و رفتاری (رفتارهای غیرمؤثر) ویژه در آنها شکل می‌گیرد (شفیعی، صیادی و شریفی، ۱۳۹۸).

صمدی فرد و همکاران (۱۳۹۵) نشان دادند که همسرانی که باور فراشناختی در آنها بالا بود، مستعد طلاق عاطفی بودند، اما همسرانی که باور فراشناختی کمی گزارش دادند، مستعد طلاق عاطفی نبودند. این به معنای آن است که هرچه قدر باور فراشناختی بالا باشد، طلاق عاطفی افزایش و هرچه قدر باور فراشناختی کم باشد، طلاق عاطفی همسران کاهش می‌یابد. بنابراین، استفاده از راهبردهای فراشناختی با طلاق عاطفی همسران همراه خواهد بود. همسرانی که از راهبردهای فراشناختی استفاده می‌کنند از وضع زندگی خود راضی نبوده و بیشتر احتمال دارد دچار طلاق عاطفی شوند. یکی دیگر از عواملی که در روابط زوجین و زندگی زناشویی دارای اهمیت است، بلوغ زوجین در ابعاد مختلف به ویژه بلوغ عاطفی است (زمانی، احدی و عسگری، ۱۳۹۳). بلوغ عاطفی جریانی است که طی آن شخصیت فرد به طور مداوم برای احراز بیش از پیش سلامت عاطفی، از لحاظ روانی و فردی می‌کوشد هفت مؤلفه صمیمیت، همدلی، ابراز وجود، ثبات روانی، استقلال، تعادل روانی و توانایی رعایت مورد عاطفی را به عنوان تعریف کاملی از بلوغ عاطفی معرفی می‌کنند (صفارپور، ۱۳۸۶). بلوغ عاطفی در حقیقت رشد یا جهشی است که انتظار می‌رود افراد بتوانند به کنترل احساسات، دریافت و شناخت آن دست یابند و براساس آن عمل کنند. فردی که به رشد عاطفی کامل رسیده باشد، در زندگی اجتماعی توانایی برقراری ارتباط صحیح با دیگران را دارد و توانایی پذیرش مسئولیت در قبال خود و دیگران را نیز پیدا می‌کند و در تعامل با دیگران موفق است. بلوغ عاطفی مراحل متفاوتی دارد و در بزرگسالی به کمال می‌رسد (شاملو،

۱۳۸۴؛ نیاز آذری، رضائی کلانتری و نوری زاده سیاوشی، ۱۳۹۴). سامانی (۱۳۸۵) در پژوهشی به بررسی رابطه همبستگی خانوادگی و استقلال عاطفی (یکی از مقیاس‌های بلوغ عاطفی) با مشکلات عاطفی پرداخته‌اند. نتایج این مطالعه نشان داد که جنسیت، همبستگی عاطفی و بعد فردیت در استقلال عاطفی، از مؤثرترین متغیرهای مربوط بر میزان مشکلات عاطفی به حساب می‌آیند.

پژوهش کومار^۱ (۲۰۱۴) نشان می‌دهد که بین بلوغ عاطفی افراد با روابط خانوادگی آن‌ها ارتباط معناداری وجود دارد. گلا^۲ (۲۰۱۶) در مطالعه خود نشان داد که بلوغ عاطفی و ابعاد آن با رضایت زناشویی رابطه دارند. به ویژه نمرات بلوغ عاطفی و موقعیت من در مردان و واکنش عاطفی و بلوغ عاطفی در زنان بر رضایت زناشویی در طول زمان اثر می‌گذارد. بلوغ عاطفی در سطح درون روانی، توانایی ایجاد تعادل بین نیروهای عقلی و فرایندهای عاطفی و در سطح بین فردی، ایجاد تعادل بین حفظ استقلال و فردیت همراه با تجربه صمیمیت است (اسکندری، پژوهی نیا و ابویسانی، ۱۳۹۵). اسکورن^۳ (۲۰۱۸) نیز نشان داد زوج‌هایی که واکنش عاطفی، بلوغ عاطفی و آمیختگی کمتر با دیگران دارند، قادرند تا در روابط خود موقعیت من را اتخاذ نمایند و سطوح بالاتری از رضایت زناشویی را تجربه می‌کنند.

بر مبنای تجارب بالینی و کلینیکی متخصصان حوزه خانواده و بنابر دلالت گزارش‌ها و پژوهش‌های موجود، وجود ردپای عوامل شناختی مؤثر بر طلاق و شیوع پدیده‌ای با عنوان طلاق شناختی قبل از بروز طلاق عاطفی زوجین (اربٹی، ۱۳۹۷) می‌تواند توجیه منطقی برای مطالعه عوامل شناختی مؤثر بر طلاق عاطفی باشد. مسلماً چنانچه عوامل پیش‌بینی‌کننده و علل پیش‌آیندی یک پدیده شناسایی شود راه مقابله با آن هموارتر می‌شود. این موضوع در مورد پدیده طلاق هم صدق می‌کند به گونه‌ای که با

1. Kumar, S.
2. Glade, A.C.
3. Skowron, E.A.

شناسایی عوامل پیش‌بینی‌کننده طلاق به ویژه طلاق عاطفی می‌توان برای کاهش آن و پیامدهایش برنامه‌ریزی لازم را انجام داد و راهکارها و درمان‌های لازم را بکار گرفت. از سویی دیگر، بنابر تاکید مجامع علمی در جوامع مختلف بر ضرورت اقدام به پژوهش‌های گسترده و فراهم‌سازی برنامه‌های آموزشی و پیشگیرانه در زمینه طلاق عاطفی (کائو، ژو و فانگ و فاین، ۲۰۱۷؛ جاندوا، دیکسترا و امری، ۲۰۱۹؛ کائو، ژو و فانگ ۲۰۱۹؛ کیکولت-گلیزر، ۲۰۱۸)، بررسی عوامل تأثیرگذار بر طلاق عاطفی زوجین اهمیت و ضرورت دوچندان پیدا می‌کند. از آن جا که تاکنون علیرغم توجه به مسئله طلاق، طلاق عاطفی و عوامل پیش‌آیندی آن کمتر مورد بررسی دقیق قرار گرفته است و خلاء پژوهشی در این زمینه به ویژه ارتباط متغیرهای شناختی با طلاق عاطفی وجود دارد از این رو، پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه بین ویژگی‌های شخصیتی، بلوغ عاطفی و باورهای فراشناختی با گرایش به طلاق عاطفی زوجین صورت گرفت.

روش

پژوهش حاضر توصیفی از نوع همبستگی بود. جامعه آماری آن را کل دانشجویان متأهل دانشگاه زنجان که در سال تحصیلی ۹۶-۱۳۹۵ مشغول به تحصیل بودند تشکیل داد. برای انتخاب نمونه مورد نظر از شیوه نمونه‌گیری در دسترس با در نظر گرفتن معیارهای ورود به مطالعه استفاده گردید. معیارهای ورود شامل دانشجوی مشغول به تحصیل در یکی از مقاطع کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری و گذشت حداقل سه سال از ازدواج شامل عقد و عروسی آنها بود (باتوجه به بافت فرهنگی اجتماعی خاص جامعه آماری پژوهش و بنابه شرایط اقتصادی آنها، بسیاری از زوجین دوره عقد را (به مثابه زندگی مشترک) از یک و نیم الی سه سال در کنار خانواده اصلی و همسر تجربه می‌کنند و براساس شواهد بالینی بسیاری از این افراد با وضعیت طلاق عاطفی در دوره عقد به مرکز مشاوره دانشجویی و سایر مراکز مشاوره مراجعه می‌کنند. از سویی دیگر، به

دلیل اینکه زوجین به حداقل میزانی از ثبات در زندگی زناشویی رسیده باشند، همچنین با توجه به اینکه ویژگی طلاق عاطفی تدریجی بودن آن است و یکی دو سال بعد از آغاز زندگی و بیشتر بعد از گذشت ۳ تا ۵ سال از زندگی مشترک رخ می‌دهد، بنابراین، افرادی مدنظر پژوهش بودند که از دوره عقد و عروسی آنها حداقل سه سال گذشته باشد).
براین اساس و با توجه به حجم جامعه آماری دانشجویان متاهل دانشگاه زنجان با در نظر گرفتن معیارهای فوق، نمونه ۱۵۰ نفر (۷۵ مرد، ۷۵ زن) وارد پژوهش گردید. در روند اجرای پژوهش، پژوهشگران حضور فعال داشتند تا هرگونه سؤال آزمودنی را پاسخ دهند و داده‌ها و اطلاعات معتبر تهیه گردد.

ابزار پژوهش

پرسشنامه سنجش صفات پنج‌گانه شخصیتی فرم کوتاه: ابعاد شخصیتی نمونه‌ها با استفاده از پرسشنامه نئوفریم کوتاه (۶۰ سوالی) مورد ارزیابی قرار گرفت. این پرسشنامه توسط کاستا و مک‌کری^۱ (۱۹۹۰) ساخته شده و به زبان‌های مختلف ترجمه و مورد استفاده قرار گرفته است و روایی و سودمندی خود را در جامعه‌های مختلف نشان داده است. این پرسشنامه پنج عامل روان‌رنجورخویی (N)، برونگرایی (E)، بازبودن (O) توافق (A)، وجدانی بودن (C) و را می‌سنجد. این پرسشنامه برای بدست آوردن اندازه‌ی مختصر و مفیدی از پنج فاکتور بنیادی شخصیت ساخته شده توسط کاستا و مک‌کری (۱۹۹۰) تهیه گردید. پاسخنامه این پرسشنامه، براساس مقیاس لیکرت^۲ (کاملاً موافقم، موافقم، نظری ندارم، مخالفم و کاملاً مخالفم)، تنظیم شده است و دامنه نمرات برای هر مقیاس صفر تا ۴۸ است. نمره‌گذاری فرم کوتاه این پرسشنامه که در این پژوهش از این روش نمره‌گذاری استفاده شده است، در تمام موارد پرسشنامه یکسان نمی‌باشد. به این معنی که در نمره‌گذاری برخی از موارد پرسشنامه فرم کوتاه (سؤال‌های ۵۹ و ۵۷،

1. Costa, P.T. Jr., Mc Crae, R.R.

2. Likert Scale.

۱۲، ۱۴، ۱۵، ۱۶، ۱۸، ۱۹، ۲۳، ۲۴، ۳۰، ۳۱، ۳۳، ۳۹، ۴۲، ۴۴، ۴۵، ۴۶، ۴۸، ۵۴، ۵۵ (۱، ۹)، به کاملاً مخالف نمره ۴، به مخالف نمره ۳، به نظری ندارم نمره ۲، به موافق نمره ۱ و به کاملاً موافق نمره صفر تعلق می‌گیرد. درحالی که سؤالات دیگر این پرسشنامه به صورت عکس حالت گفته شده نمره‌گذاری می‌شوند (شاپوری، ۱۳۸۷). همچنین، برای نمره‌گذاری این پرسشنامه، می‌توان از کلید فرم بزرگ آزمون نئو استفاده کرد، منتهی شماره سؤالات فرم کوتاه، باید در فرم بلند مشخص شود (فرزانه پی، ۱۳۸۵). در خصوص پایایی عوامل شخصیت در این پرسشنامه، نتایج چندین مطالعه حاکی از آن است که زیرمقیاس‌های NEO-FFI، همسانی درونی^۱ خوبی دارند. به عنوان مثال، کاستا و مک کری (۲۰۰۴)، ضریب آلفای^۲ بین ۵ عامل را در دامنه ۰/۶۸ تا ۰/۸۶ و بازآزمایی^۳ با فاصله دو هفته‌ای را ۰/۸۶ تا ۰/۹۰ گزارش کرده‌اند. هلدن^۴ (۱۹۹۲)؛ نقل از چلبیانلو و گروسی فرشی، (۱۳۸۹)، نیز ضریب آلفای بین این ۵ عامل را در دامنه ۰/۷۶ تا ۰/۸۷ گزارش می‌کند. مطالعه هلدن و فکن^۵ (۱۹۹۴)؛ نقل چلبیانلو و گروسی، (۱۳۸۹)، هم حاکی از آن است که آلفای کرونباخ این پنج عامل در دامنه‌ای از ۰/۷۳ تا ۰/۸۷ قرار دارد. هم‌چنین همسانی درونی این آزمون، در نمونه ایالات متحده برای عوامل O، E، N، A و C به ترتیب ۰/۹۳، ۰/۸۷، ۰/۸۹، ۰/۷۶ و ۰/۸۶ بوده است (مورادیان و نزلک^۶، ۱۹۹۵)؛ نقل از روشن چسلی و همکاران، (۱۳۸۵). در پژوهش حاضر نیز، آلفای کرونباخ در دامنه‌ای از ۰/۷۵ تا ۰/۸۶ بدست آمد.

مقیاس بلوغ عاطفی: این پرسشنامه دارای ۴۸ سؤال است که توسط سینگ و بهارگاوا (۱۹۷۴)؛ ترجمه کرمی، (۱۳۸۹) طراحی شده، پنج حیطه عدم ثبات عاطفی، بازگشت عاطفی، سازگاری اجتماعی، فروپاشی شخصیت، فقدان استقلال را

1. Internal – Consistency.

2. Cronbach's coefficient alpha.

3. Test retest.

4. Holden, R.R.

5. Fekken, G.C.

6. Mooradian, T.A., Nezlek, J.B.

اندازه‌گیری می‌کند. پاسخ به سوالات این پرسشنامه در قالب یک مقیاس پنج درجه لیکرت (خیلی زیاد- زیاد- نامشخص- احتمالاً - هرگز) محاسبه می‌شود و به خیلی زیاد نمره ۵، زیاد نمره ۴، نامشخص نمره ۳، احتمالاً نمره ۲ و هرگز نمره ۱ اختصاص داده می‌شود. هرچقدر نمره آزمودنی بیشتر باشد، دارای بلوغ عاطفی ضعیف تری است و بالعکس هرچقدر نمره آزمودنی کمتر باشد، دارای بلوغ عاطفی بالاتری است. روایی این مقیاس در برابر معیارهای بیرونی یعنی پرسشنامه سازگاری حوزه "گها" برای دانشجویان کالج توسط سینها و سینگ تعیین شده است. در این پرسشنامه حوزه گها، سازگاری عاطفی دانشجویان کالج را اندازه می‌گیرد و تعداد سوالات این حوزه ۲۱ مورد است. همبستگی گشتاوری حاصل بین کل نمرات در ۲۱ سؤال حوزه‌ها و کل نمرات در مقیاس بلوغ عاطفی ۰/۶۷ (حافظ‌آبادی و بافتی، ۱۳۸۶). پایایی توسط آزمون - بازآزمون بر روی دانشجویان اندازه‌گیری شد که شامل دختران و پسران ۲۴-۲۰ ساله بودند. فاصله زمانی بین این دو آزمون ۶ ماه بود و همبستگی گشتاوری بین این دو اجرا ۰/۷۵ بود (ایمانی و محب، ۱۳۸۸). در پژوهش حاضر نیز، آلفای کرونباخ ۰/۷۲ بدست آمد.

پرسشنامه باورهای فراشناختی: فرم کوتاه پرسشنامه باورهای فراشناختی به منظور سنجش باورهای فراشناختی توسط ولز (۲۰۰۰) ساخته شده است. این پرسشنامه ۳۰ ماده دارد. پاسخ به سوالات این پرسشنامه در قالب یک مقیاس چهار درجه لیکرت ۱- موافق نیستم الی ۴- کاملاً موافقم محاسبه می‌شود. این مقیاس دارای پنج خرده مقیاس می‌باشد شامل: (۱) باورهای نگرانی مثبت (گویه‌های ۱، ۷، ۱۱، ۱۹، ۲۳، ۲۸، ۲)، کارآمدی شناختی پایین (گویه‌های ۸، ۱۴، ۱۷، ۲۴، ۲۶، ۲۹، ۳)، باورهای فراشناخت منفی در مورد افکار (گویه‌های ۶، ۱۳، ۲۱، ۲۲، ۲۵، ۲۷، ۴)، باورهای فراشناختی منفی (گویه‌های ۲، ۴، ۹، ۱۱، ۱۵، ۲۱). آلفای کرونباخ این پرسشنامه و مولفه‌های آن در دامنه‌ای از ۰/۷۲ تا ۰/۹۳ و ضریب اعتبار بازآزمایی ۰/۷۳ گزارش شده است (ولز و کروریت-هاتون، ۲۰۰۴).

در پژوهش ابوالقاسمی، احمدی و کیامرثی (۱۳۸۶) ضریب آلفای کرونباخ این پرسشنامه را ۰/۸۱/۰ گزارش کرده‌اند. در پژوهش حاضر نیز، آلفای کرونباخ ۰/۷۶ بدست آمد.

پرسشنامه طلاق عاطفی: پرسشنامه طلاق عاطفی از کتاب موفقیت یا شکست در ازدواج نوشته جان گاتمن گرفته شده است. این پرسشنامه در سال ۲۰۰۸ نوشته شده و شامل جملاتی درباره جنبه‌های مختلف زندگی است که ممکن است فرد با آن موافق یا مخالف است. این مقیاس ۲۴ سؤال دارد و به شیوه بله یا خیر باید به آن جواب داد. نمره گذاری پرسشنامه به صورت بله، خیر است. پاسخ بله امتیاز یک و پاسخ خیر صفر می‌گیرد. پس از جمع کردن پاسخهای مثبت، چنانچه تعداد آن برابر هشت و بالاتر باشد، به معنای این است که زندگی زناشویی فرد در معرض جدایی قرار داشته و علائمی از طلاق روانی در وی مشهود است. همچنین روایی محتوایی پرسشنامه توسط اساتید مطلوب گزارش شده است. براساس پژوهشی بیات مختاری (۱۳۹۲) پس از ترجمه مجدد این مقیاسی، از چهار تن از متخصصان در این زمینه، نظرخواهی و روایی صورتی آن حاصل شده است. آلفای کرونباخ تست برای شوهر ۰/۹۱/۰ و برای زن هم ۰/۹۱/۰ ارائه شده است (گاتمن، ۱۹۹۹). در پژوهش حاضر نیز، آلفای کرونباخ ۰/۸۳ بدست آمد.

یافته‌ها

بیشترین فراوانی گروه نمونه از لحاظ تحصیلات مربوط به تحصیلات فوق لیسانس (با ۶۴/۸ درصد) و کمترین فراوانی مربوط به لیسانس (با ۱۲/۶ درصد) بود. حدود ۱۷ درصد از گروه نمونه در دوره عقد بودند که کمترین فراوانی را داشتند و بیشترین فراوانی بین افراد دارای ۳ سال زندگی مشترک با ۵۶ درصد مشاهده شد. حدود ۴۸/۳ درصد از گروه نمونه در رده سنی ۲۶-۳۲ بودند که بیشترین فراوانی را داشتند و کمترین فراوانی در رده سنی ۱۹-۲۵ مشاهده شد که ۱۹/۶ درصد از گروه نمونه را به خود اختصاص داده بود. در

متغیرها	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲
۴- برون‌گرایی	۰/۲۵**	۰/۰۵	۰/۴۱	۱								
۵- روان‌آزرده‌خویی	۰/۲۸**	۰/۰۶	۰/۰۸	۰/۲۳**	۱							
۶- وظیفه‌شناسی	۰/۳۰**	۰/۰۸	۰/۱۹*	۰/۰۶	۰/۱۷*	۱						
۷- باورهای نگرانی مثبت	۰/۲۶**	۰/۰۴	۰/۳۶**	۰/۲۹**	۰/۰۳	۰/۱۹*	۱					
۸- کارآمدی شناختی پایین	۰/۱۴	۰/۰۴	۰/۳۲**	۰/۲۲**	۰/۱۲	۰/۲۲**	۰/۳۴**	۱				
۹- باورهای فراشناخت منفی افکار	۰/۱۸*	۰/۰۵	۰/۱۲	۰/۱۷*	۰/۰۹	۰/۲۰*	۰/۲۱**	۰/۲۸**	۱			
۱۰- باورهای فراشناختی منفی	۰/۱۷*	۰/۲۱**	۰/۳۳**	۰/۰۹	۰/۰۲	۰/۰۳	۰/۰۵	۰/۱۰	۰/۰۵	۱		
۱۱- خودآگاهی شناختی	۰/۰۹	۰/۰۹	۰/۱۰	۰/۱۶*	۰/۲۶**	۰/۱۰	۰/۱۶*	۰/۱۷*	۰/۴۲**	۰/۰۱	۱	
۱۲- بلوغ عاطفی	۰/۲۴**	۰/۲۰*	۰/۱۱	۰/۰۴	۰/۰۷	۰/۲۳**	۰/۰۸	۰/۱۴	۰/۰۷	۰/۰۹	۰/۰۹	۱

P < ۰/۰۱** P < ۰/۰۵*

نتایج ماتریس همبستگی در جدول ۲ نشان می‌دهد که بین گرایش به طلاق عاطفی و ویژگی روان‌آزرده‌خویی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. درحالی‌که بین گرایش به طلاق عاطفی و وظیفه‌شناسی و مقبولیت و برون‌گرایی رابطه منفی و معناداری وجود دارد. اما بین گشودگی و گرایش به طلاق عاطفی رابطه معناداری مشاهده نشد ($P < ۰/۰۱$). همچنین، بین گرایش به طلاق عاطفی و بلوغ عاطفی و معناداری وجود دارد ($P < ۰/۰۱$). با مشاهده ضرایب همبستگی می‌توان گفت که بین گرایش به طلاق عاطفی و باورهای نگرانی مثبت، باورهای فراشناخت منفی در مورد افکار و باورهای فراشناختی منفی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. اما بین گرایش به طلاق عاطفی و کارآمدی شناختی پایین و خودآگاهی شناختی رابطه معناداری مشاهده نشد ($P < ۰/۰۱$).

در ادامه پس از بررسی نرمال بودن توزیع متغیرهای پژوهش با استفاده از آزمون کالموگروف-اسمیرنوف، به منظور بررسی نقش ویژگی‌های شخصیتی، باورهای

فراشناختی و بلوغ عاطفی در گرایش به طلاق عاطفی زوجین، از مدل رگرسیون چندمتغیره گام به گام استفاده شد. در روند اجرای هرکدام از مراحل مدل رگرسیون چندمتغیره گام به گام، کلیه پیش فرض‌های موجود (آزمون دوربین واتسن برای بررسی استقلال خطاها، آزمون شاخص تحمل و عامل تورم واریانس برای بررسی هم خطی) مورد بررسی قرار گرفت و نتایج حاکی از رعایت این پیش فرض‌ها بودند. بنابراین این امر دال بر تأیید استفاده از روش تحلیل رگرسیون می باشد.

جدول ۳: تحلیل رگرسیون روش گام به گام برای گرایش به طلاق

عاطفی براساس ویژگی‌های شخصیتی و بلوغ عاطفی

گام	متغیرهای پیش‌بین	R	R ²	DF	F	B	β	t	مفروضه همخطی	
									تولراتس	VIF
اول	مقبولیت	۰/۳۲	۰/۱۰	(۱۴۸،۱)	۱۶/۹۲**	-۰/۳۵	-۰/۳۲	۰/۳۲	۱	۱
دوم	مقبولیت	۰/۴۲	۰/۱۸	(۱۴۸،۲)	۱۶/۳۸**	-۰/۳۵	-۰/۳۲	۰/۳۲	۱	۱
	روان‌آزرده‌خویی	۰/۴۲	۰/۱۸	(۱۴۸،۲)	۱۶/۳۸**	۰/۱۸	۰/۲۸	۰/۲۸	۱	۱
سوم	مقبولیت	۰/۴۷	۰/۲۲	(۳،۱۴۶)	۱۳/۷۹**	۰/۱۵	۰/۲۴	۰/۲۴	۱/۰۴	۰/۹۵
	روان‌آزرده‌خویی	۰/۴۷	۰/۲۲	(۳،۱۴۶)	۱۳/۷۹**	۰/۱۵	۰/۲۴	۰/۲۴	۱/۰۳	۰/۹۶
	وظیفه‌شناسی	۰/۴۷	۰/۲۲	(۳،۱۴۶)	۱۳/۷۹**	۰/۱۵	۰/۲۴	۰/۲۴	۱/۰۵۲	۰/۹۲
چهارم	مقبولیت	۰/۴۹	۰/۲۴	(۴،۱۴۵)	۱۱/۷۹**	۰/۲۴	۰/۲۴	۰/۲۴	۱/۰۶	۰/۹۴
	روان‌آزرده‌خویی	۰/۴۹	۰/۲۴	(۴،۱۴۵)	۱۱/۷۹**	۰/۲۴	۰/۲۴	۰/۲۴	۱/۰۳	۰/۹۶
	وظیفه‌شناسی	۰/۴۹	۰/۲۴	(۴،۱۴۵)	۱۱/۷۹**	۰/۲۴	۰/۲۴	۰/۲۴	۱/۰۸	۰/۹۲
	بلوغ عاطفی	۰/۴۹	۰/۲۴	(۴،۱۴۵)	۱۱/۷۹**	۰/۲۴	۰/۲۴	۰/۲۴	۱/۰۱	۰/۹۸

P < ۰/۰۱** P < ۰/۰۵*

نتایج جدول ۳ نشان می‌دهد که متغیرهای پیش‌بین مقبولیت، روان‌آزرده‌خویی، وظیفه‌شناسی و بلوغ عاطفی (۲۴ درصد) از واریانس متغیر گرایش به طلاق عاطفی را تبیین می‌کنند. در گام اول، مقبولیت به تنهایی ۱۰٪ از واریانس گرایش به طلاق

عاطفی را تبیین کرد که با اضافه شدن روان‌آزرده‌خویی و وظیفه‌شناسی این ضریب تبیین به ۰/۲۲ رسید و در گام آخر با اضافه شدن بلوغ عاطفی به مقبولیت، روان‌آزرده‌خویی، وظیفه‌شناسی این ضریب تبیین به ۰/۲۴ رسید. ضرایب بتا برعکس افزایش ضرایب R^2 در گام اول از ۰/۳۲- به ۰/۱۶- رسیده است. براین اساس می‌توان چنین استنباط کرد که بر مبنای ضرایب استاندارد رگرسیون (β) از میان متغیرهای پژوهش، مقبولیت با ضریب بتای ۰/۲۷- بیشترین سهم را در پیش‌بینی گرایش به طلاق عاطفی دارد و پس از آن روان‌آزرده‌خویی (۰/۲۴)، وظیفه‌شناسی (۰/۱۷-) و بلوغ عاطفی (۰/۱۶) قرار دارند.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر، با هدف تعیین رابطه بین ویژگی‌های شخصیتی، بلوغ عاطفی و باورهای فراشناختی با گرایش به طلاق عاطفی زوجین شهرزنگان انجام شد. نتایج پژوهش نشان داد که از میان متغیرهای پژوهش، مقبولیت، روان‌آزرده‌خویی، وظیفه‌شناسی و بلوغ عاطفی توانایی معناداری برای پیش‌بینی گرایش به طلاق عاطفی داشتند که این یافته‌ها با نتایج پژوهش‌های امیدوار، جوکار و پاکیزه (۱۳۹۴) و اسپانگلر و پالریچا^۱ (۲۰۰۴) همخوانی دارد. در تبیین یافته‌های پژوهش حاضر می‌توان گفت که از آنجا که ویژگی شخصیتی مقبولیت در برگزیده صفاتی از قبیل صداقت، همکاری، اعتماد به دیگران و همدردی است و افراد دارای این ویژگی بیشتر سازگار هستند. مقبولیت، تعاون و اعتماد و بخشنده‌گی را میان زوجین افزایش می‌دهد (بوچارد، لاسیرو سابورین^۲، ۱۹۹۹). بنابراین، چنین وضعیتی می‌تواند به کاهش گرایش به طلاق عاطفی زوجین منجر شود. افراد دارای خصیصه وظیفه‌شناسی نیاز به پیشرفت دارند و به همین خاطر برای نگهداری رابطه موفق خود دست به تلاش می‌زنند (بوچارد، لاسیرو سابورین، ۱۹۹۹). برخی از پژوهش‌ها نشان می‌دهند که ثبات و پایداری ازدواج در میان زوجین

1. Spangler, W. E., Palrecha, R.

2. Bouchard, G., Lussier, Y., Sabourin, S.

وظیفه‌شناس به طور معنی‌داری بیشتر از زوجین با وظیفه‌شناسی پایین است (جاویس^۱، ۲۰۰۶). نمره‌های بالا در عامل روان‌آزرده‌خویی با عدم ثبات عاطفی و عواطف منفی همراه است که معمولاً سطح سازگاری فرد را تحت تأثیر قرار می‌دهد و تمایل بیشتری به تکانش‌گری، پرخاشگری و آسیب‌پذیری دارند (شاکریان و همکاران، ۱۳۹۰) که در نهایت می‌تواند روابط زوجین را مختل کند. افراد روان‌رنجور عواطف منفی بیشتری را به همسران ابراز می‌کنند و از این طریق به شکل‌گیری الگوهای تعاملی منفی در روابط زناشویی کمک می‌کنند (احدی، ۱۳۸۶). بعلاوه، روان‌آزرده‌خویی در بردارنده انواع هیجان‌های منفی مانند ترسی، غم، خشم و برانگیختگی است. این‌گونه افراد احتمال بیشتری دارد که دارای باورهای غیرمنطقی باشند و قدرت کمتری در کنترل امیال و تکانه‌ها داشته باشند. این نوع رفتارها موجب می‌شود که زوج‌ها قدرت کمتری در کنترل تکانه‌ها داشته باشند و از درجه سازشی ضعیف‌تری برخوردار باشند. هر قدر میزان نوروژگرای در هر یک از زوج‌ها بیشتر باشد رفتارهای تعاملی منفی بیشتری نسبت به همسر نشان می‌دهد و چنین رفتارهایی سازگاری زناشویی را کاهش می‌دهد (احدی، ۱۳۸۶) و باعث افزایش گرایش به طلاق عاطفی می‌شوند.

بخش دیگری از نتایج نشان داد بین بلوغ عاطفی و گرایش به طلاق عاطفی رابطه منفی و معناداری وجود دارد که این یافته با پژوهش مرادزاده خراسانی و خادمی (۱۳۹۴) همخوانی دارد. افرادی که از لحاظ عاطفی بالغ هستند، کنترل عواطف خود را برعهده دارند. احساسات موجب تحریک آن‌ها نمی‌شود و عواطف خود را در زمان مناسب و به شکل مناسب ابراز می‌کنند. بنابراین توانایی ابراز عواطف به شکل صحیح از ویژگی‌های بلوغ عاطفی می‌باشد. درحالی‌که یکی از دلایل عمده طلاق عاطفی، عدم تأمین نیاز عاطفی که به دلیل فقدان محبت یا عدم ابراز محبت است و منجر به سرد شدن رابطه زن و مرد و گسست عاطفی می‌شود. در مواردی فقدان محبت و عاطفه از سوی مرد و

1. Jarvis, M.O.

علاقه یک طرفه زن به همسرش از ابتدای زندگی مشترک و تبدیل تدریجی آن به نفرت می‌شود. در مواردی نیز عدم ابراز محبت کلامی و رفتاری مورد انتظار زن به دلیل نگرش متفاوت زن و مرد در زمینه ابراز محبت می‌شود (باستانی، گلزاری و روشنی، ۱۳۸۹). بنابراین، توانایی ابراز عواطف می‌تواند نگرش به طلاق عاطفی را کاهش دهد. همچنین پژوهشگران دریافته‌اند که زوج‌های خوشبخت که در حل تعارضات زندگی موفق عمل می‌کنند، تمایل زیادی دارند که ادراک بدون عیب و نقصی از همسرشان داشته باشند و اگر خطا و مقصوری در آنان مشاهده کردند به راحتی آن را ببخشند و آن را فراموش نمایند و سعی می‌کنند به صورتی سخاوتمند به یکدیگر صفات مطلوبی نسبت دهند و این از رفتارهایشان به راحتی قابل مشاهده است. بدون شک این توانایی چشم پوشی و عفو خطاهای یکدیگر که از نشانه‌های بلوغ عاطفی است، در برخی اوقات، موجب سازگاری مطلوب با مشکلات بالقوه زندگی مشترک و حل مطلوب و منطقی تعارضات بین آن‌ها می‌شود.

نتایج پژوهش حاضر در زمینه رابطه بین باورهای فراشناختی با گرایش به طلاق عاطفی نشان داد فقط باورهای نگرانی مثبت رابطه مثبت با گرایش به طلاق عاطفی دارد. اما بین سایر مولفه‌های باورهای فراشناختی و گرایش به طلاق عاطفی رابطه معناداری مشاهده نشد. در کل می‌توان گفت بین باورهای فراشناختی با گرایش به طلاق عاطفی رابطه معناداری گزارش نشد. این یافته با پژوهش صمدی فرد و همکاران (۱۳۹۵) مغایرت دارد که نشان دادند زوجینی که باور فراشناختی در آن‌ها بالا بود، مستعد طلاق عاطفی بودند، اما همسرانی که باور فراشناختی کمی گزارش دادند، مستعد طلاق عاطفی نبودند. این به معنای آن است که هرچه قدر باور فراشناختی بالا باشد، طلاق عاطفی افزایش و هرچه قدر باور فراشناختی کم باشد، طلاق عاطفی همسران کاهش می‌یابد. بیشتر فعالیت‌های شناختی به عوامل فراشناختی بستگی دارند که بر آن‌ها نظارت و کنترل دارند (ولز، ۲۰۰۹). نتایج تحقیقات نشان داده است که باور فراشناختی

در کاهش رضایت از زندگی همسران نقش مهمی دارد و با آموزش فراشناخت درمانی می‌توان رضایت از زندگی همسران را افزایش داد. فیشر و ولز (۲۰۰۸) به این نتیجه رسیدند که فراشناخت نقش تأثیرگذاری در بهبود و یا کاهش روابط همسران دارد. همسرانی که از راهبردهای فراشناختی استفاده می‌کنند رابطه‌ی زناشویی مناسب‌تری نخواهند داشت. در مجموع می‌توان نتیجه گرفت که استفاده از راهبردهای فراشناختی نقش مهمی در افزایش طلاق عاطفی و کاهش رضایت زناشویی همسران دارد.

بطور کلی یافته‌ها نشان داد که ویژگی‌های شخصیتی مقبولیت و وظیفه‌شناسی در کنار روان‌آزرده‌خویی و بلوغ عاطفی به‌طور معناداری گرایش به طلاق عاطفی را پیش‌بینی می‌کنند. این یافته با پژوهش‌های امیدوار، جوکار و پاکیزه (۱۳۹۴)، اسپانگلرو و پالریچا (۲۰۰۴)، مرادزاده خراسانی و خادمی (۱۳۹۴) همخوانی دارد. در تبیین نقش ویژگی‌های شخصیتی مقبولیت در پیش‌بینی گرایش به طلاق عاطفی می‌توان گفت، از آنجایی که افرادی که در این ویژگی نمره‌ی بالایی به دست می‌آورند، بیشتر احتمال دارد گرم، خوش‌مشرّب، مهربان و اهل همکاری باشند، در نتیجه در روابط بین فردی با دوستان و خانواده پس از وقوع حوادث ناسازگار، تغییرات مثبت را تجربه می‌کنند (تاشیرو و فیترز، ۲۰۰۳).

این ویژگی‌ها با ایجاد اعتماد در طرف مقابل همراه است؛ افرادی که به شریک زندگی خود اعتماد دارند، تمایل به عشق بیشتری نسبت به شریک زندگی خود و رضایت و تعهد به رابطه دارند (باک، لانر، ایملکامپرو و نمرل^۱، ۲۰۱۲). در تبیین نقش ویژگی‌های شخصیتی وظیفه‌شناسی در پیش‌بینی گرایش به طلاق عاطفی می‌توان گفت، وظیفه‌شناسی با مجموعه‌ای از ویژگی‌ها همچون خویش‌نماری، نظم و ترتیب، تعمق و پیگیری فعالانه اهداف مشخص می‌شود و نمره بالا در این مقیاس نشانه قابلیت اعتماد و اتکا، خودنظم‌بخشی، پیشرفت‌مداری، سخت‌کوشی، مصمم بودن، انگیزش و مسئولیت

1. Tashiro, T. Y., Frazier, P.

2. Buck, N. M., Leenaars, E. P., Emmelkamp, P. M., van Marle, H. J.

پذیری بالاست (امانی، عیسی نژاد و عزیزی، ۱۳۹۴). همچنین افراد برخوردار از وظیفه‌شناسی بالا از آنجا که سخت‌کوش و هدفمند بوده و قدرت جهت‌دهی خوبی در زندگی دارند به آسانی در برخورد با مسائل ناامید نمی‌شوند و تلاش برای موفقیت را متوقف نمی‌کنند. جارویس (۲۰۰۶) معتقد است افراد وظیفه‌شناس، برای حفظ و ثبات روابط زناشویی خود تلاش بیشتری انجام می‌دهند. افراد با این ویژگی به علت این‌که از اهداف خود به سادگی چشم‌پوشی نمی‌کنند و مسئولیت اعمال خود را می‌پذیرند و نسبت به تعهدات خود پایبند می‌باشند، در زندگی زناشویی خود نیز این ویژگی‌ها را بروز می‌دهند و لذا به احتمال بیشتری به زندگی زناشویی پایبند هستند (اوندر^۱، ۲۰۱۲) و احتمال وقوع طلاق عاطفی در این افراد کمتر است.

در تبیین نقش ویژگی شخصیتی روان‌رنجورخویی در پیش‌بینی گرایش به طلاق عاطفی می‌توان گفت، افراد با روان‌آزرده‌خویی بالا گرایش دارند از مقابله کردن «قطع‌درگیری رفتاری» به واسطه‌ی ترک کردن دستیابی به اهدافشان و «قطع‌درگیری ذهنی» مانند خیال‌پردازی و درگیر شدن با سایر فعالیت‌ها برای فراموش کردن مشکلاتشان، «تمرکز و تنظیم هیجانات»، «جستجوی حمایت اجتماعی هیجانی» به واسطه‌ی ابراز احساساتشان به‌طور آشکار و «انکار» با وانمود کردن این‌که مشکلات مهم نیستند، استفاده کنند (بوچارد، لاسیر و سابورین، ۱۹۹۹).

به‌طور مشابه مک‌گری و کاستا در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که روان‌رنجورخویی با سبک‌های مقابله‌ای ناکارآمد مانند خصومت، واکنش، خیال‌پردازی، سرزنش خود، تسکین، گوشه‌گیری، تفکر آرزومندانه، انفعال و تردید مرتبط است (اوندر، ۲۰۱۲). این ویژگی‌ها باعث می‌شود تا این افراد برای حل اختلافات خود در تعاملات زناشویی شان فعالیت مناسبی انجام ندهند و با فرار و اجتناب از مشکلات به سستی روابط خود دامن بزنند و باعث کاهش کیفیت زندگی زناشویی و افزایش طلاق عاطفی

گردند.

در تبیین نقش بلوغ عاطفی در پیش‌بینی گرایش به طلاق عاطفی می‌توان گفت، بلوغ عاطفی با تأثیراتی که در ابراز صحیح هیجانات بر جای می‌گذارد می‌تواند بر روابط زناشویی و گرایش به طلاق عاطفی مؤثر باشد. چرا که ایجاد و حفظ یک رابطه عاشقانه و رضایت‌بخش نیازمند توانایی تشخیص عواطف و هیجان‌ها و توانایی ابراز آن‌ها است (واش و کروادا^۱، ۲۰۰۷). توانایی فهمیدن و درک کردن احساسات دیگران نیز نقش مهمی در رابطه‌ی رضایت‌بخش دارد. بیان عواطف، تبادلات عاطفی و همدلی عاملی اساسی در تمایز زوج‌های راضی از ناراضی بوده و نقش مهمی در رشد صمیمیت دارد (کاترین و تیمرمن^۲، ۲۰۰۳). بنابراین می‌توان گفت، احتمال وقوع طلاق عاطفی در زندگی زناشویی افراد با بلوغ عاطفی پایین که توانایی ابراز صحیح هیجاناتشان را ندارند، بیشتر است.

از مهمترین محدودیت‌های این پژوهش می‌توان به جامعه محدود دانشجویان متأهل دانشگاه زنجان اشاره نمود که به روش نمونه‌گیری در دسترس صورت گرفت. لذا توصیه می‌گردد در پژوهش‌های دیگر از روش نمونه‌گیری تصادفی بهره گرفته شود و همچنین در دیگر شهرها بررسی گردد تا نتایج پژوهش با اطمینان بیشتری قابل تعمیم باشد. نوع فرهنگ حاکم بر جامعه مورد مطالعه، عدم توانایی در کنترل برخی از عوامل مؤثر بر روابط زناشویی مانند تمایز یافتگی افراد و سایر ویژگی‌های وابسته به خانواده اصلی آنها و همچنین، عدم همکاری افراد و پاسخ‌دهی ناصحیح به پرسش‌ها از دیگر محدودیت‌های پژوهش بود. با توجه به یافته‌های پژوهش، ویژگی‌های روان‌آزرده‌خویی، بلوغ عاطفی و استفاده از راهبردهای فراشناختی با طلاق عاطفی همسران همراه خواهد بود. لذا، پیشنهاد می‌شود در مشاوره‌های پیش از ازدواج (توجه به بلوغ عاطفی، ویژگی‌های شخصیتی و باورهای فراشناختی در ازدواج به منظور اجتناب از گرایش به طلاق عاطفی)، مشاوره خانواده و زوج‌درمانی (تصحیح باورهای فراشناختی و ارتقاء بلوغ

1. Wachs, K., Cordova, J.V.

2. Kathryn, D., Timmerman, L.

عاطفی به منظور کیفیت بخشی به روابط زناشویی و پیشگیری از طلاق زوجین) بهره گرفت. علاوه براین، پیشنهاد می‌شود بر روی همسرانی که مشکل طلاق عاطفی دارند یا متقاضی طلاق هستند، با آموزش‌های غلبه بر باور فراشناختی و رشد مهارت‌های شناختی-عاطفی زوجین و افزایش بلوغ عاطفی به آنها در کاهش طلاق عاطفی کمک کرد.

سپاس و قدردانی

نویسندگان بر خود لازم می‌دانند از شرکت‌کنندگان در پژوهش و همه افرادی که به هر نحوی پژوهشگران را در انجام بهتر پژوهش یاری نمودند تقدیر و تشکر بعمل آورند.

منابع

- ابوالقاسمی، ع.، احمدی، م.، کیامرثی، آ. (۱۳۸۶). بررسی ارتباط فراشناخت و کمال‌گرایی با پیامدهای روان‌شناختی در افراد معتاد به مواد مخدر. *دوفصلنامه تحقیقات علوم رفتاری*، ۵ (۱)، ۷۳-۷۹.
- احدی، ب. (۱۳۸۶). رابطه شخصیت و رضایت زناشویی. *روان‌شناسی معاصر*، ۲ (۲)، ۳۱-۳۷.
- اربطی، س. (۱۳۹۷). *شناسایی مولفه‌های شناختی طلاق و ساخت و رواسازی مقیاس آن در زوجین شهر زنجان*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشکده انسانی، دانشگاه زنجان.
- اسکندری، ح.، پژوهی‌نیا، ش.، ابویسانی، ی. (۱۳۹۵). تبیین مشکلات روانی مبتنی بر انعطاف‌پذیری شناختی و تمایز یافتگی خود. *مجله شفای خاتم*، ۴ (۳)، ۱۸-۲۷.
- امانی، ا.، عیسی‌نژاد، ا.، عزیزی، آ. (۱۳۹۴). بررسی روابط ساختاری طرحواره‌های ناسازگار اولیه و عامل‌های شخصیتی با سازگاری زناشویی. *پژوهش‌های نوین روان‌شناختی*، ۱۰ (۳۷)، ۳۵-۷۰.
- امیدوار، ی.، جوکار کمال‌آبادی، م.، پاکیزه، ع. (۱۳۹۴). مقایسه ویژگی‌های شخصیتی در زوجین متقاضی طلاق و عادی. *همایش بین‌المللی روان‌شناسی و فرهنگ زندگی*.
- ایمانی، ر.، محب، ن. (۱۳۸۸). رابطه بین بلوغ عاطفی مادران با اختلالات رفتاری فرزندانشان. *مجله زن و مطالعات خانواده*، ۲ (۶)، ۲۹-۴۹.
- باستانی، س.، گلزاری، م.، روشنی، ش. (۱۳۸۹). طلاق عاطفی: علل و شرایط میانجی. *مجله بررسی مسائل اجتماعی ایران*، ۱ (۳)، ۲۸-۳۳.
- بیات‌مختاری، ث. (۱۳۹۲). *اثر بخشی واقعیت‌درمانی گروهی بر کاهش طلاق عاطفی و پیامدهای*

- روان‌شناختی آن. پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه فردوسی مشهد.
- چلبیانلو، غ.، گروسی فرشی، م. (۱۳۸۹). نگاهی به قابلیت آزمون نئو در ارزیابی سلامت روانی. *مجله علوم رفتاری دانشگاه تبریز*، ۴ (۱)، ۵۸-۵۱.
- حافظ آبادی، ف.، بافتی، ف. (۱۳۸۶). *تفاوت بلوغ عاطفی دانشجویان خانم مجرد و متأهل ۳۰-۱۸ ساله*. پایان‌نامه کارشناسی دانشگاه سیستان و بلوچستان.
- حسینی، ف.، نجفی، م.، محمدی فر، م.ع. (۱۳۹۸). رابطه پنج صفت بزرگ شخصیت با افسردگی: نقش میانجی گر عزت نفس و خودکارآمدی. *پژوهش‌های مشاوره*، ۱۸ (۷۲)، ۱۱۴-۱۳۷.
- دهقانی، م.، اسماعیلیان، ن. (۱۳۹۵). ویژگی‌های شخصیتی، طرح‌واره ناسازگار اولیه و کارکرد خانواده در زوجین متقاضی و غیرمتقاضی طلاق. *خانواده پژوهی*، ۱۲ (۴)، ۵۷۵-۵۹۲.
- روشن چسلی، ر.، شعیری، م. ر.، عطری فرد، م.، نیکخواه، ا.، قائم مقامی، ب.؛ رحیمی راد، ا. (۱۳۸۵). بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی پرسشنامه شخصیتی ۵ عاملی نئو، *دانشور رفتار*، ۱۶، ۲۷-۳۶.
- زمانی، س.، احدی، ح.، عسگری، پ. (۱۳۹۳). رابطه طلاق عاطفی با تصویر بدنی و کمال‌گرایی. *مطالعات روان‌شناختی*، ۱ (۴)، ۱۳۶-۱۱۹.
- زهراکار، ک.، اسماعیلی، ع.ا.، محسن‌زاده، ف.، هزاروسی، ب. (۱۳۹۸). شناسایی عوامل زمینه‌ساز طلاق هیجانی در بافت فرهنگی اجتماعی شهر کرج. *مشاوره و روان‌رمانی خانواده*، ۹ (۱)، ۱۲۵-۱۴۲.
- سالاری فر، م.ح. (۱۳۹۱). *باورهای فراشناختی، بازدارنده یا تسهیل‌کننده نگرانی و خودتنظیمی تحصیلی*. پایان‌نامه دکتری چاپ نشده، دانشگاه شهید بهشتی.
- سامانی، س. (۱۳۸۵). همبستگی خانوادگی و استقلال عاطفی در دختران فراری از خانه. *روانپزشکی و روان‌شناسی بالینی ایران*، ۱۲ (۳)، ۲۵۸-۲۶۸.
- سینگ، ی و بهارگاو، م. (۱۹۷۴). مقیاس بلوغ عاطفی. ترجمه ابوالفضل کرمی (۱۳۸۹). تهران: روان تجهیز سینا.
- شاپوری، م. (۱۳۸۷). *مقایسه ویژگی‌های شخصیت و میزان استرس بیماران مبتلا به مولتیپل اسکروز و عادی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهرا.
- شاکریان، ع.، فاطمی، ع.، فرهادیان، م. (۱۳۹۰). بررسی رابطه بین ویژگی‌های شخصیتی با رضایتمندی زناشویی. *مجله علمی دانشگاه علوم پزشکی کردستان*، ۱۶ (۱)، ۹۲-۹۹.
- شاملو، س. (۱۳۸۴). *مکتب‌ها و نظریه‌ها در روان‌شناسی شخصیت*. تهران: انتشارات رشد.
- شفیعی، س.، صیادی، م.، شریفی، پ. (۱۳۹۸). نقش عواطف و باورهای فراشناختی در پیش‌بینی رفتارهای خودآسیب‌رسان جوانان، *رویش روان‌شناسی*، ۸ (۷)، ۱۱۹-۱۲۸.
- صباغی، ف.، صالحی، ک.، مقدم‌زاده، ع. (۱۳۹۶). ادراک و تجربه زیسته زوج‌ها از علل بروز جدایی عاطفی: مطالعه‌ای به روش پدیدارشناسی. *پژوهش‌های مشاوره*، ۶ (۶۲)، ۴-۳۱.
- صفارپور، آ. (۱۳۸۶). *بررسی و مقایسه رابطه بلوغ عاطفی و سازگاری زناشویی مردان متأهل شاغل در شرکت*

خطوط لوله نفت منطقه تهران دارای استنباطی سالم و ناسالم از خانواده اصلی خود، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی.

- صمدی فرد، ح. ر.، نریمانی، م.، میکائیلی، ن.، شیخ‌الاسلامی، ع. (۱۳۹۵). نقش مؤلفه‌های اجتناب شناختی و باور فرا شناختی در پیش‌بینی طلاق عاطفی همسران. پژوهش‌های مشاوره، ۱۵ (۵۹)، ۵۷-۳۸.
- عاشوری، ج.، خالقی دهنوی، ف.، صفاریان، م. ر. (۱۳۹۳). بررسی تأثیر فرآیند شناخت درمانی بر میزان رضایت زناشویی زنان. زن و مطالعات خانواده، ۶ (۲۴)، ۵۳-۶۵.
- فرزانه پی، ا. (۱۳۸۵). رابطه نیازها، عوامل پنجگانه شخصیت و رضایت در ازدواج. پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد واحد علوم و تحقیقات تهران.
- گروهی فوشی، م. (۱۳۸۰). رویکردهای نوین در ارزیابی شخصیت. کاربرد تحلیل عاملی در مطالعات شخصیت. تبریز: نشر جامعه پژوه.
- مرادزاده خراسانی، ل.، خادمی، ع. (۱۳۹۴). رابطه بلوغ عاطفی با طلاق عاطفی (رضایت زناشویی) در زوجین. کنفرانس بین‌المللی اقتصاد مدیریت و علوم اجتماعی.
- مصطفوی النوری، س.، ابوالعالی، خ. (۱۳۹۴). پیش‌بینی رضایت زناشویی براساس باورهای فرآیند شناخت در دانشجویان متأهل. کنفرانس بین‌المللی علوم و مهندسی.
- نصوحیان، م. (۱۳۹۱). بررسی مقایسه‌ای ویژگی‌های شخصیتی و سبک‌های دل‌بستگی زوجین در معرض طلاق و زوجین عادی شهر اصفهان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبائی.
- نیازآذری، ک.، رضائی کلانتری، م.، نوری‌زاده سیاوشی، م. (۱۳۹۴). بررسی مؤلفه‌های بلوغ عاطفی دانش‌آموزان مقطع متوسطه شهر دامغان. دومین کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های نوین در مدیریت، اقتصاد و حسابداری.
- واعظی، ک. (۱۳۹۷). راهبردهای مقابله‌ای زنان با شرایط پس از طلاق. پژوهش‌های مشاوره. ۱۷ (۶۸)، ۱۷۲-۱۹۱.

- Bouchard, G., Lussier, Y., & Sabourin, S. (1999). Personality and marital adjustment: Utility of the five-factor model of personality. *Journal of Marriage and the Family*, 61 (3) , 651-660.
- Buck, N. M., Leenaars, E. P., Emmelkamp, P. M., & van Marle, H. J. (2012). Explaining the relationship between insecure attachment and partner abuse: The role of personality characteristics. *Journal of interpersonal violence*, 27 (16) , 3149-3170.
- Cao, H., Zhou, N., Fine, M.A, Li, X., Fang, X. (2019). Sexual Satisfaction and Marital Satisfaction During the Early Years of Chinese Marriage: A Three-Wave, Cross-Lagged, Actor-Partner Interdependence Model. *The Journal of Sex Research*, 56 (3) , 391-407.
- Cao, H., Zhou, N., Fang, X., & Fine, M. (2017). Marital well-being and depression in Chinese marriage: Going beyond satisfaction and ruling out critical

- confounders. *Journal of Family Psychology*, 31 (6) , 775-784.
- Costa, P.T. Jr. & McCrae, R.R. (1990). Personality and five-factor model of personality. *Journal of personality disorders*, 4 (4) , 362-371.
 - Desender, K., Van Opstal, F., Hughes, G., & Van den Bussche, E. (2016). The temporal dynamics of metacognition: Dissociating task-related activity from later metacognitive processes. *Neuropsychologia*, 82, 54-64.
 - Djundeva, M., Dykstra, P. A., & Emery, T. (2019). Family dynamics in China and Europe in the last half-century. *Chinese Journal of Sociology*, 5 (2) , 143-172.
 - Fisher, P. L., Wells, A. (2008). Metacognitive therapy for obsessive – compulsive disorder. *Journal of Behavior Therapy and Experimental Psychiatry*, 39 (2) , 117- 132.
 - Glade., A.C. (2016). *Differentiation, marital satisfaction and Depressive symptoms: An application of Bowen theory*. Doctora theses, Ohio State University.
 - Gottman, J. M. (1999). *The marriage clinic: A scientifically-based marital therapy*. WW Norton & Company.
 - Heidari, A., Heidari, H., & Davoudi, H. (2017). Effectiveness of acceptance and commitment-based therapy on the physical and psychological marital intimacy of women International. *Journal of Educational and Psychological Researches*, 3 (3), 163-167.
 - Helen, N., Steffen M. & Reinhard, P. (2013). Responsibility, metacognition and unrealistic pessimism in obsessive–compulsive disorder. *Journal of obsessive-compulsive and related disorders*, 2, 119-129.
 - Iiskala, T., Vauras, M., Lehtinen, E., & Salonen, P. (2011). Socially shared metacognition of dyads of pupils in collaborative mathematical problem-solving processes. *Learning and Instruction*, 21 (3) , 379-393.
 - Jarvis, M.O. (2006). *The long term role of Newlywed conscientiousness and religiosity in marriage*. Unpublished Doctoral Dissertation. University of Texas at Austin.
 - Kathryn, D., & Timmerman, L. (2003). *Accomplishing romantic relationship*. In: Greene JO, Burlinson BR. (editors). *Handbook of communication and social interaction skills*. Mahwah: Lawrence Erlbaum Associates.
 - Kiecolt-Glaser, J. K. (2018). Marriage, divorce, and the immune system. *American Psychologist*, 73 (9) , 1098-1108.
 - Kumar, S. (2014). Emotional Maturity of Adolescent Students in Relation to Their Family Relationship. *International Research Journal of Social Sciences*, (3) 3,6-8.
 - Laur, Rober H., & Laur, Jeanette C. (2007). *Marriage & Family: The Quest for Intimacy*, New York: McGraw Hill.
 - McCrae, R.R., & Costa, P.T. (1992). *Revised NEO personality Inventory (NEO-PIR) and NEO five factor Inventory professional manual* Odessa, FL, Psychological Assessment Resources, Inc.
 - Mirzakhani, F., Khodadadi Sangdeh, J., Nabipour A R. (2019). Marital factors affecting addiction among Iranian women: a qualitative study. *Journal of Substance Use*, 25 (1) , 28-33.

- Musai, M., Tavasoli, G., & Mehrara, M. (2011). The Relationship between Divorce and Economic-Social Variables in Iran. *British Journal of Arts and Social Sciences*, 1 (2) ,89-93.
- Narimani, M., Mousazadeh, TA. (2010). A Comparison between the Metacognitive Beliefs of Gifted and Normal Children. *Procedia Social and Behavioral Sciences*, 2 (2) , 1563–1566.
- Önder, N. İ. H. A. N. (2012). *The mediating role of coping strategies in the basic personality traits-PTG and locus of control-PTG relationships in breast cancer patients*. Middle East technical University.
- Skowron, E. A. (2018). The role of differentiation of self in marital adjustment. *Journal of Counseling Psychology*, 47 (2) , 229-237.
- Sodermans, A.K, Corijn M, Vanassche S, Matthijs K. (2016). Effects of personality on postdivorce partnership trajectories. *Journal of Social and Personal Relationships*, 34 (7) , 1031–1052.
- Spangler, W. E., & Palrecha, R. (2004). The relative contributions of extraversion, neuroticism, and personal strivings to happiness. *Personality and Individual Differences*, 37, 1193-1203.
- Tashiro, T. Y., & Frazier, P. (2003). “I’ll never be in a relationship like that again”: Personal growth following romantic relationship breakups. *Personal Relationships*, 10 (1) , 113-128.
- Trull, TJ., Widiger, T.A. (2013). Dimensional models of personality: the five-factor model and the DSM-5. *Dialogues Clin Neurosci*,15 (2) ,135-46.
- Vander Heiden, C., Muris, P. T. & Vander Molen, H. (2012) , Randomized controlled trial on the effectiveness of metacognitive therapy and intolerance of uncertainty therapy for generalized anxiety disorder. *Behaviour Research and Therapy*, 50 (2) , 100-109.
- Wachs, K., Cordova, J.V. (2007). Mindful relating: Exploring mindfulness and emotion repertoires in intimate relationships. *Journal of marital and family therapy*, 33 (4) , 464-481.
- Wells, A. (2000). *Emotional disorders and metacognition: Innovative cognitive therapy*. Chichester, UK: Willey press.
- Wells, A. (2009). *Meta-cognitive therapy for anxiety and depression*. New York: Guilford Press.
- Wells, A., Cartwright-Hatton, S. (2004). A Short Form of the Metacognitions Questionnaire: Properties of the MCQ-30. *Behavior Research and Therapy*, 42 (4) , 385-396.
- Yang, S.X., Jowett, S., Chan, D. (2015). Effects of bigfive personality traits on the quality of relationship and satisfaction in Chinese coach–athlete dyads. *Scandinavian Journal of Medicine & Science in Sports*, 25, 568-580.